

جنگ امروز ما اما جنگ اقتصادی است و اگر تا پیش از این، بودند کسانی که ماهیت "جنگ اقتصادی" دشمن را باور نداشتند، این روزها، دشمن آنقدر شفاف و مستقیم عمل کرده است که دیگر «همه قبول دارند که دشمن در حال جنگ اقتصادی با ما است؛ این را همه می دانند. البته این را که دشمن در حال جنگ با ما است، همیشه ما تکرار می کردیم، می گفتیم، [اما] بعضی باور نمی کردند؛ امروز همه باور کرده اند؛ همه می مسئولین فهمیده اند و قبول کرده اند که دشمن در حال جنگ با ما است.»

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۵۸ / دوشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۸

ریشه های دشمنی با حشدالشعبی

جمهوری اسلامی: بعد از ناکامی رئیس جمهور آمریکا در ضربه زدن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اکنون عناصر کلیدی دولت آمریکا و مهره های منطقه ای آنها به سراغ حشدالشعبی رفته اند و تلاش می کنند این نیروی کارآمد در حفاظت از تمامیت ارضی عراق را از صحنه این کشور حذف کنند.

ایاد علاوی، نخست وزیر اسبق عراق، که پرونده خوبی ندارد، در گفتگو با رسانه های این کشور خواستار انحلال حشدالشعبی شد با این استدلال که ماموریت این نیرو مبارزه با داعش بود و اکنون که داعش شکست خورده نیازی به ادامه کار آن نیست. همین سخن قبل از ایاد علاوی، از رابرت پالادینو سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز شنیده شد. او گفته است حشدالشعبی یک نیروی فرقه ایست و باید منحل شود.

در مورد طرح آمریکائی انحلال حشدالشعبی عراق، چند نکته مهم باید مورد توجه قرار گیرند. اول آنکه اگر قرار است اقدامی برای حذف نظامیان از صحنه عراق صورت گیرد، این نظامیان آمریکائی هستند که باید خاک عراق را ترک کنند. در عراق همه معتقدند نظامیان آمریکائی به صورت غیرقانونی در خاک این کشور حضور دارند. دولت و ملت و نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی یکصدا خواستار خروج آنها هستند.

دوم آنکه دولت آمریکا از اینکه شاهد شکست داعش در سوریه و عراق بود و می داند که این شکست در عراق تا حدود زیادی مرهون وجود حشدالشعبی بوده، درصدد گرفتن انتقام از این نیروی مردمی و کارآمد است.

سوم آنکه آمریکا علاوه بر حشدالشعبی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با حزب الله لبنان نیز دشمن است و علت دشمنی با این سه نیروی کارآمد این است که آنها را پایه های اصلی مقاومت در منطقه می داند. فعالیت این سه نیروی قدرتمند بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی را در بلعیدن سوریه و عراق و لبنان ناکام کرد. و چهارم آنکه کینه توزی های دولت آمریکا علیه حشدالشعبی نیز بی نتیجه خواهد بود.

خطر ساده انگاری تهدید ترامپ

جوان: با کمی تأمل به خوبی می توان مشاهده کرد که گام ها و سیاست های ترامپ یک خط استراتژیک در قبال ایران دنبال می کند. اینگونه نیست که اگر امریکایی ها در غرب آسیا و در تمامی پرونده های فعال برای امنیت سازی صهیونیست ها یا منافع استعماری و حفظ دیکتاتوری های غربی شکست بخورند، راهبردهای خود را تغییر می دهند. آنچه

شاهد هستیم، سیاستی هوشمندانه و خبیثانه است تا ضمن تولید فشارهای داخلی و تحریک منزوی‌سازی سپاه با روش‌های گوناگون، در محیط منطقه‌ای نیز راهبرد محدود کردن و حذف منطقه‌ای ایران و سپاه از طریق گام‌های بعدی به اجرا درآید.

امریکا و ترامپ که تا چند ماه دیگر وارد فاز انتخاباتی می‌شوند، قادر به باز کردن یک پرونده نظامی علیه ایران نیستند و کم‌هزینه‌ترین روش را در گام خود علیه سپاه می‌دانند. اگر عده‌ای در داخل کشور از روی ساده‌انگاری و برخی از روی کینه‌ورزی در سناریوی دشمن بازی می‌کنند و راهبرد ضدسپاه را عملیات روانی و رسانه‌ای توصیف می‌کنند، نخبگان و جامعه را نسبت به عمق دشمنی و تهدیدات ترامپ و امریکا، غافل می‌کنند. تروریست دانستن سپاه در یک زنجیره چند ماهه از تروریست دانستن حزب‌الله لبنان یا گروه‌های عراقی و انصارالله یمن، به موازات قطعنامه‌ای کردن مفادی از FATF و... به معنای ورود امریکا به اقدامات جنگی است، ولی امریکا با گام‌های اتهامی و محدودکننده که ماهیت جنگی ندارند، قصد دارد از میزان حساسیت ایران و دیگر دوستان ایران در منطقه بکاهد تا برای سیاست‌های خود هزینه‌ای نپردازد. مسئله مهم این است که واکنش به سیاست‌های امریکا نباید در سقف پوشیدن لباس سپاه یا محکومیت آن یا پوشش‌های فضای مجازی، محدود شود و تمامی دستگاه‌های حکومتی و نظام با جدی تلقی کردن این تهدید بزرگ گام‌های پاسخ‌گویی هزینه‌دار برای امریکا را طراحی و آماده اجرا کنند. آقایان مذاکره‌کننده برجام به‌خوبی رصد می‌کنند که امریکا برای به صفر رساندن محتوای باقیمانده در برجام که در تعهدات دیگر کشورهای ۱+۵ هست نیز در حال قانونگذاری هستند و از جسد برجام، رمقی باقی نمانده و در نشست ۷G هم تأکید و توافق کرده‌اند که ایران حق هیچ‌گونه غنی‌سازی نخواهد داشت و لذا در رویا و توهم باقی گذاردن منافع و امنیت ملی کشور، امری بخشودنی نیست.

بازی مصر با دلارهای سعودی

خراسان: هر بار که مصری‌ها مشکل مالی پیدا می‌کنند، بهترین راه تامین منابع مالی از عربستان سعودی است و پس از حل مشکل، رها کردن سیاست‌های عربستان و کنار کشیدن از اوضاع نابه‌سامانی است که سیاست‌های عربستان به وجود می‌آورد. حقیقت این است که قاهره فهمیده ریاض چک سفیدی است که هر روز می‌تواند آن را نقد کند. البته بعضی نیز تحلیلی متفاوت دارند. گروهی معتقدند ترس مصر از گسترش این ائتلاف و تعارض با ایران می‌تواند فضای امنیت ملی مصر را تضعیف و محیط پیرامونی آن را برای ایران تقویت کند و حتی قاهره مجبور شود در برابر ایران قرار گیرد. ترسی که قاهره مطمئناً از آن نگران است اما این تنها دلیل خروج قاهره از این ائتلاف نیست.

السیسی نشان داد بازیگر هوشمندی است و محیط بازیگری عربستان را بهتر از حتی دیگر عرب‌های حاشیه خلیج فارس می‌شناسد. به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور مصر پیش از ترامپ به گاو شیرده بودن ریاض پی برده و با آن که به ظاهر در سیاست‌های بن سلمان همراهی می‌کند اما می‌داند چگونه ریاض را بدوشد. از سوی دیگر ریاض دشمنی شدیدی با اخوان المسلمین دارد و حتی اخبار نشان می‌دهد به دنبال زدودن جریان اخوان از الازهر است. به طوری که بسیاری از استادان بازنشسته این نهاد علمی اهل سنت به تصمیمات و دخالت‌های ریاض به السیسی اعتراض کرده‌اند. در طرف دیگر، اخوان در الجزایر و حتی تونس دوباره قدرت گرفته و احتمال بازگشت انقلاب‌های مردمی سال ۲۰۱۱ به قاهره وجود دارد. راضی کردن اخوان بدون اخم به ریاض غیر ممکن است و احتمال این که السیسی این تصمیم را به خاطر رضایت مندی اخوانی‌ها اتخاذ کرده باشد، وجود دارد. اما در این میان ریاض نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

دیكتاتور وابسته

صبح نو: با برکنار شدن عمر حسن احمد البشیر، رییس‌جمهوری سودان از سمت خود در کودتایی نظامی، زنجیره رؤسای جمهوری کودتایی در شمال آفریقا و غرب آسیا تقریباً کامل شد؛ تونس، مصر، لیبی، یمن، عراق و حالا سودان. ویژگی تمامی این چهره‌ها، روی کار آمدن با ژستی ضدامپریالیستی، وفاداری به آرمان قدس شریف و ایجاد نظام سیاسی فردمحور مادام‌العمر بود؛ حالا دیگر هیچ نشانی از آن‌ها روی کره خاکی نیست و لحظه شروع اضمحلال‌شان، چرخیدن به سمت غرب و مشخصاً آمریکا است. آن‌ها از زمین و کشورشان گذشتند (مانند سودان جنوبی برای عمرالبشیر) یا توانمندی هسته‌ای و موشکی‌شان را بار کشتی کردند و به ایالات متحده فرستادند (نظیر معمر قذافی و صدام) یا به سمت تسهیل روابط با رژیم اسرائیل رفتند (مثل حسنی مبارک، عمر البشیر و زین‌العابدین بن‌علی)، با این همه در فاصله‌ای چندساله به ننگین‌ترین شکل ممکن از کار برکنار یا کشته شدند. این موارد نزدیک تاریخی که همگی‌شان در مقابل چشمان رخ داده و به‌علاوه ده‌ها مورد مشابه دیگر در تاریخ جدید و کشورهای استعمارگر، به‌وضوح این نظریه را ثابت می‌کند که هزینه سازش بسیار بیشتر از مقاومت است.

پمپئو: ایران در امور داخلی ونزوئلا دخالت می‌کند!

کیهان: وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه با بخش انگلیسی VOA و در پاسخ به این سؤال که «آیا ایران در آمریکای لاتین حضور دارد؟» مدعی شد: بله. شکی وجود ندارد که پول ایران در آمریکای جنوبی برای اهداف مخرب، حمایت از حزب‌الله، حمایت از سازمان‌های تبهکار فراملی و حمایت از تروریسم در سراسر منطقه صرف می‌شود. وی در ادامه با اشاره به گزارش‌های منتشرشده در مورد برقراری پرواز مستقیم میان پایتخت ایران و ونزوئلا گفت: «آن روز دیدید که پرواز مستقیمی از تهران به کاراکاس انجام شد. این، دخالت در آمریکای جنوبی است. این مسئله در راستای منافع بهینه مردم آمریکای جنوبی نیست و ایالات متحده، آماده است.» ادعای دخالت ایران در امور آمریکای جنوبی در حالی است که «ژائیر بولسونارو» رئیس‌جمهور برزیل اخیراً و صراحتاً از طرح همکاری با آمریکا برای ایجاد شکاف در ارتش ونزوئلا با هدف برکنار کردن «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور منتخب ونزوئلا پرده‌برداری کرده بود. و جان بولتون هم صراحتاً گفته بود آمریکای جنوبی حیاط خلوت آمریکاست.

نمک روی زخم برجام

وطن امروز: ژرارد آرود، سفیر فرانسه در واشنگتن در صفحه توئیتر خود با بیان اینکه انقضای برجام به معنای عدم پایبندی ایران به یک برنامه غیرنظامی برای فعالیت‌های هسته‌ای آن نیست، مدعی شد در صورت عدم رعایت این مسأله از سوی ایران پس از برجام ممکن است باز هم تحریم‌هایی علیه این کشور اعمال شود! این مقام فرانسوی نوشت: «اینکه بگویم ایران پس از انقضای «برجام» اجازه دارد اورانیوم غنی‌سازی کند، اشتباه است. ادعای عجیب سفیر فرانسه در واشنگتن در حالی است که حق غنی‌سازی یکی از حقوق مصرح ایران در آن‌پی‌تی و توافق هسته‌ای است و پس از پایان زمان محدودیت‌های برجام، ایران می‌تواند با شتاب بیشتری این حق خود را از طریق به‌کارگیری سانتریفیوژهای نسل‌های جدیدتر دنبال کند. اما فرانسوی‌ها که کشورشان در کنار انگلیس و آلمان مدتی است تعهدات برجامی خود را معلق کرده‌اند؛ این حقوق هسته‌ای ایران که در برجام نیز مورد اشاره قرار گرفته را انکار می‌کنند. به عبارتی اروپایی‌ها نه تنها

تعهدات برجامی خود را انجام نمی‌دهند بلکه مفاد آن درباره ایران را نیز قبول ندارند. این می‌تواند در یک معنای دقیق‌تر، به مثابه خروج رسمی یا زمزمه‌های خروج علنی اروپا از توافق هسته‌ای باشد. توثیت این مقام فرانسوی البته آنقدر عجیب و غیرمسئولانه بود که با واکنش عباس عراقچی مواجه شد. عراقچی در این باره در توثیتی نوشت: اگر توثیت‌های ژرارد آرود موضع فرانسه است، ما با نقض عمده هدف و مقصود برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مواجهیم. پاریس باید فوراً شفاف‌سازی کند، در غیر این صورت ما اقدام لازم را به عمل می‌آوریم.

ظریف، بازیگر طنز تلخ: زمزمه‌های خروج علنی اروپا از برجام در حالی شنیده می‌شود که در ایران، محمدجواد ظریف دیروز رسماً اعلام کرد او و دوستانش به پیشنهاد توهین‌آمیز اروپا در INSTEX، یعنی فروش غذا و دارو به ایران در ازای توانایی ایران به فروش نفت، عمل کرده‌اند. ۹ ماه پس از خروج آمریکا از برجام، اروپایی‌ها که تعهدات برجامی خود را در عمل تعطیل کرده‌اند، پیشنهاد داده‌اند ایران تعهدات برجامی خود را اجرا کرده و برنامه هسته‌ای‌اش را تعطیل نگه دارد تا این کشورهای اروپایی اجازه بدهند شرکت‌های غذایی و دارویی اروپایی با ایران مراد داشته باشند. اروپایی‌ها البته اعلام کردند آنها حاضر به خرید نفت ایران نیستند. یعنی اروپایی‌ها برخلاف تعهدات برجامی‌شان، نفتی از ایران نمی‌خرند؛ با ایران تجارت نمی‌کنند؛ در ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؛ همکاری‌های بانکی و مالی خود را با ایران از سر نمی‌گیرند؛ تحریم‌های آمریکا علیه ایران را اجرا می‌کنند اما موارد غیرتحریمی مانند غذا و دارو را با ایران تجارت خواهند کرد. این رفتار اروپایی‌ها که رهبر انقلاب آن را به یک شوخی تلخ تعبیر کردند.

سیاست ایران در دوئل با آمریکا

دنیای اقتصاد: آمریکا از ابتدای انقلاب با اشغال سفارت و پیدایش چالش‌های سیاسی که نتیجه سازه‌های ذهنی و تاریخی بود به سمت ضربه زدن به منافع ایران از هر شکل ممکن برآمد. در وضعیت فعلی همان سیاست‌ها تهاجمی‌تر شده است که نتیجه آن افزایش جنگ‌های نیابتی و قدرت یافتن گروه‌های شبه‌نظامی خواهد بود. هزینه فعالیت‌های بین‌المللی علیه ایران را اسرائیل و خرابکاری‌های منطقه‌ای علیه ایران را عربستان برعهده گرفته است. در شرایط فعلی در سطح بین‌الملل باید موازنه قوا را در برابر آمریکا حفظ کرد. فعال کردن چین، روسیه، اتحادیه اروپا و حتی کشورهای در حال توسعه آسیایی و آمریکای لاتین می‌تواند تهدیدات امنیتی را خنثی سازد. همین‌طور در سطح منطقه باید با رویکردی عملگرا به سمت ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز با همسایگان و حداقل‌سازی چالش‌ها حرکت کرد.

دقیق‌ترین و بروزترین تحلیل‌های سیاسی را از کانال بصیرت دریافت کنید

بصیرت

کانال خبری تحلیل بصیرت

@basirat_fa

